بهمن محصص ـ پیکاسوی ایرانی که هنرش را به باد دادند

نویسنده: طیبه تیموری‌نیا

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



هنر باید برای خود هنرمند باشد نه برای کسی دیگر. نه برای دولت، نه برای ملت. هنر تنها باید برای خودش حرف بزند.

بهمن محصص (۱۳۰۹–۱۳۸۹) از هنرمندان تأثیرگذار مدرن ایران بود که با نگاهی پیشرو، نقاشی، مجسمه‌سازی، ترجمه و طراحی صحنه تئاتر را در هم آمیخت. او که به عنوان «پیکاسوی ایرانی» شناخته می‌شد، نه به دلیل تقلید از پیکاسو، بلکه به دلیل توانایی بی‌نظیرش در تلفیق هنر غربی با روح شرقی، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هنر ایران پیدا کرد. زندگی محصص با تناقضات زیادی همراه بود: ستایش‌های بین‌المللی مقابل بی‌تفاوتی داخلی، خلق آثار ماندگار در برابر نابودی آنها، و عشق به ایران در کنار تبعید خودخواسته.

بهمن محصص در ۱۰ اسفند ۱۳۰۹ در خانواده‌ای مرفه در رشت متولد شد. نسبش از طرف پدر به مغول‌ها و از طرف مادر به قاجارها می‌رسید. او از سنین نوجوانی به نقاشی علاقه‌مند شد و در ۱۴ سالگی شاگرد محمد حبیب محمدی، نقاش تحصیل‌کرده در مسکو، شد. محصص که در دانشگاه تهران تحصیل کرده بود، به دلیل فعالیت‌های سیاسی از این دانشگاه اخراج شد و به جنبش «خروس جنگی» پیوست. در کنار هنرمندانی چون جلیل ضیاپور، سهراب سپهری و نیما یوشیج، به پیشگامان مدرنیسم ایرانی تبدیل شد.



در سال ۱۳۴۳، مجموعه «فی‌فی» محصص در تالار ایران تهران را تکان داد. این مجموعه که شامل پیکره‌های بی‌سر با اندام‌های فربه و دست‌های قطع‌شده بود، **تصویری هولناک از جامعه‌ای تهی از عقل و احساس را به نمایش می‌گذاشت. آثار «فی‌فی» نه تنها نقدی به حکومت، بلکه به وضعیت بشریت بود.** محصص در یکی از مصاحبه‌هایش گفت: «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد، چون دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد.»

مجسمه نی‌لبک‌زن (۱۳۵۳)، از آثار محصص، که ۴ متر بود و در تئاتر شهر نصب شده بود، پس از انقلاب اسلامی ابتدا با پوشاندن بخش‌هایی از آن مواجه شد و در نهایت نابود شد. و مجسمه بندباز (۱۳۵۷) که برای موزه هنرهای معاصر ساخته شده بود، پس از انقلاب سرنوشت نامعلومی پیدا کرد.

محصص به عنوان تأثیرگذارترین هنرمند نوگرای ایران در نظرسنجی ۱۳۹۴ فصلنامه «هنرمند» شناخته شد. آثار او در حراجی‌های بین‌المللی به میلیون‌ها دلار فروش می‌روند. تابلوی «مینوتور در ساحل دریا» در سال ۱۴۰۰ رکورد ۱.۴ میلیون دلار را شکست. اما در سال ۱۴۰۱، طرح تبدیل خانه‌اش در لاهیجان به موزه با مخالفت برخی روحانیون روبرو شد و متوقف ماند.

بهمن محصص پس از خروج از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به ایتالیا رفت. او در رم و فلورانس با هنرمندان بزرگ آن زمان آشنا شد و تحت تأثیر هنر ایتالیایی قرار گرفت. در این دوران، محصص با هنرمندان برجسته‌ای چون پیکاسو و ماتیس در ارتباط بود. این تأثیرات به شکل‌گیری سبک خاص محصص کمک کرد، به‌ویژه در مجسمه‌سازی و نقاشی‌هایی که به شدت با فرهنگ ایرانی و غربی آمیخته بودند.

در دوران انقلاب اسلامی، محصص آثار زیادی خلق کرد که علاوه بر زیبایی‌شناسی، شدیداً سیاسی بودند. بسیاری از این آثار نقدهایی مستقیم به شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران داشتند. به عنوان مثال، یکی از نقاشی‌های معروف او که در سال‌های اولیه انقلاب کشیده شده بود، تصویری از یک مرد و یک زن بود که نماد ترس و ناامیدی در دوران پس از انقلاب بودند. این اثر هرگز نمایش داده نشد و تنها در برخی از مستندهای مربوط به او به نمایش درآمد.

در سال ۱۳۵۱، محصص به سفارش دولت وقت برای نصب مجسمه‌ای از "شیر و خورشید" در میدان آزادی تهران دعوت شد. اما او برخلاف انتظار مقامات، مجسمه‌ای طراحی کرد که بیشتر از یک نماد سلطنتی، به یک نقد اجتماعی تبدیل شد. در این مجسمه، شیر به شکلی عجیب و غریب و غیرطبیعی به تصویر کشیده شده بود که برخی منتقدان آن را نماد انحطاط و فساد رژیم می‌دانستند. در نهایت، این مجسمه هرگز نصب نشد و به یک موضوع جنجالی تبدیل شد. پس از درخواست فرح دیبا برای نابودی اثر، محصص با لحن تندی پاسخ داد: «خانم، شما تانک دارید، خودتان خرابش کنید!»

محصص پس از انقلاب به رم مهاجرت کرد و در این شهر ماندگار شد. با وجود اینکه بهمن محصص سال‌ها در خارج از ایران زندگی کرد، همیشه تعلق خاطر زیادی به ایران داشت و از دور شاهد تحولات آن بود. در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود که هیچ چیزی مانند ایران نمی‌تواند او را به خانه بازگرداند، اما او نیز به خوبی از چالش‌های سیاسی و اجتماعی ایران آگاه بود. این تناقض در زندگی او مشهود بود: هنرمندی که خود را از وطن جدا کرده بود اما هنوز به هنر خود و کشورش تعلق داشت.

یکی از داستان‌های جالب در مورد محصص، عشق او به یک زن ایتالیایی است که در دوران تبعیدش در رم با او آشنا شد. این زن که به هنر و فرهنگ ایرانی علاقه‌مند بود، تأثیر زیادی بر روند خلاقیت محصص گذاشت. محصص در آخرین روزهای زندگی‌اش به او گفته بود: «من از ایران دورم، اما ایران همیشه در قلب من خواهد ماند.» در زمان مرگش، بسیاری از هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر او در سوگش نشستند، اما او در غربت و تنها از دنیا رفت.

در آخرین روزهای زندگی بهمن محصص، بیماری او شدت گرفت و بیشتر وقت خود را در تنهایی گذراند. در یکی از آخرین گفتگوهایش با یکی از دوستان نزدیکش، به طور عمیق از آرزوهای خود برای آینده هنر ایران صحبت کرد. او گفته بود: «هنر باید آزاد باشد و هیچ چیز نباید آن را محدود کند. اگر به هنر آزادی داده شود، او هر چیزی که بخواهد خواهد آفرید.» این صحبت‌ها به عنوان آخرین سخنانش در یادها باقی مانده‌اند. در مستند «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» او بیان کرد: «**مرگ مهم‌ترین اثر یک هنرمند است.**» او در ۶ مرداد ۱۳۸۹ در تنهایی درگذشت و وصیتش مبنی بر خاکسپاری در رم نیز اجرا نشد. خاکستر او در آمریکا به باد سپرده شد.



در مورد بهمن محصص چند فیلم مستند و داستانی ساخته شده که بخش‌های زیادی از زندگی و آثار او را به تصویر کشیده‌اند. این فیلم‌ها نه تنها به معرفی جنبه‌های مختلف شخصیت و هنر او پرداخته‌اند، بلکه به نمایش برخی از دیالوگ‌های جالب و تأثیرگذار محصص نیز پرداخته‌اند.

مستند «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» (2010)

یکی از معروف‌ترین مستندها درباره بهمن محصص، فیلم «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» به کارگردانی میترا فراهانی است. این مستند زندگی و هنر بهمن محصص را از دوران جوانی تا مرگش بررسی می‌کند. در این فیلم، محصص به‌طور مستقیم و بی‌پرده به صحبت می‌پردازد و برخی از دیالوگ‌های بسیار تأثیرگذار را می‌زند: «من یحیی‌ای بودم که در بیابان فریاد زد، اما هیچ‌کس نشنید.» یا «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد، چون دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد.»

این مستند همچنین تصویری از تناقضات زندگی محصص، عشق او به ایران و احساسات او نسبت به تبعید را به نمایش می‌گذارد. در بخش‌های مختلف فیلم، محصص از دلایل تبعیدش، تردیدهایش در زندگی هنری، و احساساتش نسبت به مردم و حکومت ایران صحبت می‌کند.

فیلم مستند «بهمن محصص: هنرمند تک‌رو» (2013)

این مستند به کارگردانی آرمان خلعتبری به بررسی ابعاد مختلف زندگی و آثار بهمن محصص می‌پردازد. در این فیلم نیز چندین دیالوگ برجسته از محصص نقل شده است که نشان‌دهنده دیدگاه‌های متفاوت او نسبت به هنر، سیاست و جامعه است.

دیالوگ جالبی از این مستند: «...هر هنرمند باید مرگ را ببیند تا بفهمد چه چیزی در زندگی‌اش مهم است.» این مستند بیشتر به بررسی ابعاد فردی و فلسفی هنر محصص می‌پردازد و شخصیت مستقل و جسور او را به نمایش می‌گذارد.

مستند «هنر در بحران: بهمن محصص و مجسمه‌های ممنوعه»

این مستند تمرکز زیادی روی آثار مجسمه‌ای بهمن محصص دارد، به‌ویژه آثار او که پس از انقلاب اسلامی در ایران ممنوع شدند. در این فیلم، به بررسی چالش‌ها و بحران‌هایی که محصص در دوران حکومت پهلوی و پس از انقلاب با آن روبرو بود پرداخته شده است.

در دیالوگی جالب در این مستند می‌گوید: «آثار من بیشتر از اینکه هنر باشند، اعتراض هستند. اعتراض به وضعیتی که هنرمند را مجبور می‌کند تا در جایی خاص و تحت نظارت زندگی کند.» یا در جایی دیگر می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند به من بگوید که چگونه باید هنر بسازم. هنر من، خودم را نشان می‌دهد، نه چیزی که دیگران بخواهند.»



این مستند همچنین به واکنش‌های محصص نسبت به دستوراتی که برای نابودی آثارش پس از انقلاب صادر شده بود، پرداخته است.

مستند «پیکاسوی ایرانی»

این مستند به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار بهمن محصص با پیکاسو و دیگر هنرمندان مدرن غربی می‌پردازد. در این فیلم، برخی از جملات محصص نقل شده‌اند که نشان‌دهنده نگاه خاص او به هنر و تأثیرات غرب و شرق هستند.

او در این مستند می‌گوید: «من از پیکاسو چیزی یاد نگرفتم. من از نقاشی‌های خودم یاد گرفتم که باید همواره مرزها را شکستم.» یا با تاکید بر ایرانی‌بودنش بیان می‌کند: «هنر من ایرانی است، اما به این معنا نیست که محدود به فرهنگ ایران باشم. من می‌خواهم جهان را ببینم و هنر را از هر نقطه‌ای بگیرم.»

دیالوگ‌های بهمن محصص در مستندها و فیلم‌ها نشان‌دهنده شخصیت خاص و پیچیده او هستند. محصص به عنوان هنرمندی که همواره در جستجوی حقیقت بود، نه تنها به مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته، بلکه به‌طور عمیق‌تری به فلسفه هنر و جایگاه هنرمند در جامعه توجه کرده است. این دیالوگ‌ها نه تنها از زاویه هنری بلکه از جنبه‌های فلسفی و انسانی زندگی او را بررسی می‌کنند و از آنجا که محصص همیشه هنرش را با یک دید انتقادی به دنیای اطرافش ترکیب می‌کرد، بسیاری از این گفتارها هنوز هم در دنیای هنر و فرهنگ ایران تأثیرگذار هستند.

منابع:

فصلنامه حرفه: هنرمند، شماره ۱۲۶، خرداد ۱۳۸۷

مستند «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد»، کارگردان: میترا فراهانی

کتاب «بهمن محصص: هنرمند تک‌رو»، نوشته آرمان خلعتبری

مصاحبه‌های آیدین آغداشلو درباره محصص، ۱۳۹۳

گزارش‌های خبرگزاری‌ها درباره تخریب آثار محصص پس از انقلاب